



پیوند انسان با حوزه کرامت الهی در آیات قرآن / تلاش دنیا برای کشتن و تلاش انبیاء برای ابدیت

آیت‌الله‌العظمی جوادى آملى با اشاره به این که بخش‌های فراوانی از آیات قرآن انسان را با حوزه کرامت الهی گره زده است، بیان کرد: خدا در قرآن از کرامت سخن گفته است و درس کرامت می‌دهد.

آیت‌الله‌العظمی جوادى آملى با اشاره به این که بخش‌های فراوانی از آیات قرآن انسان را با حوزه کرامت الهی گره زده است، بیان کرد: خدا در قرآن از کرامت سخن گفته است و درس کرامت می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله‌العظمی جوادى آملى در پیامی به برگزارکنندگان همایش «ابعاد وجودی انسان در قرآن کریم، سنت و آراء اندیشمندان مسلمان» که صبح امروز در مراسم افتتاحیه این همایش به نمایش در آمد، به بیان نکاتی در باب انسان و جایگاه انسان در دین پرداخت.

با دشمن بیرونی می‌توان کنار آمد اما با دشمن درونی نمی‌توان

آیت‌الله جوادى آملى با اشاره به نقش شیطان در گمراهی انسان بر اساس آیات قرآن و سخنان معصومین(ع)، گفت: ما دشمنان بیرونی فراوان داریم و می‌شود آن را حل کرد، اما با دشمن درونی نمی‌توان کنار آمد. بدترین دشمنان بیرونی ما را و عرق‌ها هستند که افراد زیادی هستند که با این‌ها کنار می‌آیند و زندگی می‌کنند، اما و صد اما اگر آدم یک لحظه موافق با این غرور، با این خودخواهی، با این هوس عمل کند این‌ها درنده‌تر می‌شوند و جلوتر می‌آیند. این‌ها از هر ماری بدترند. اگر سگی حمله کرد و چیزی پیش او بگذاری چند ساعتی با تو کار ندارد، اما این نفس، این تکبر، این غرور، این خودخواهی دستور می‌دهند و تا به میل او که عمل کردی، جلوتر می‌آید.

چرا دشمن درونی خطرناکتر از دشمن بیرونی است؟

ایشان با اشاره به سخن معصوم که فرمود «اعدا عدوک نفسک التی بین جنیبک»، ادامه داد: خطر دشمن درونی این است که نه تنها اصلاً با ما کنار نمی‌آید، بلکه اصلاً راهش منحصر به اسیرگیری است. دشمن بیرونی یا مال را می‌خواهد و یا جان را، اما نفس نه با مال ما کار دارد و نه با جان ما. نفس نمی‌خواهد ما را بکشد و اگر کشته شویم راحت می‌شویم؛ نفس فقط ما را اسیر می‌کند و وقتی اسیر گرفت باید اسیر سواری بدهد.

آیت‌الله جوادى آملى با اشاره به قسمی که شیطان خورده است، گفت: بنا بر آن چه در سوره اسراء آمده است قرآن قسم می‌خورد و اصرار دارد که از انسان هر سواری که می‌خواهد بگیرد. این غرور و خودخواهی هم نمی‌خواهد ما را از پا در بیاورد؛ وقتی که به او سواری دادیم جان و مال ما در اختیار او خواهد بود. بنابراین بخشی از ابعاد وجودی انسان به همین دشمن‌شناسی برمی‌گردد.

پیوند انسان با حوزه کرامت الهی در آیات قرآن

ایشان در ادامه با اشاره به همایش «ابعاد وجودی انسان در قرآن کریم، سنت و آراء اندیشمندان مسلمان»، گفت: انسان آن تک موجودی است که معادل ندارد؛ چون خلیفه خداست و خدا هم ند و مثل ندارد.

آیت‌الله‌العظمی جوادى آملى با اشاره به این مطلب که بخش‌های فراوانی از آیات قرآن انسان را با حوزه کرامت الهی پیوند و گره زده است، بیان کرد: کرامت از آن واژه‌های پربرکت عربی است که معادل فارسی ندارد و ما چند کلمه را در فارسی باید جمع کنیم و کنار هم بگذاریم تا آن را معنا کنیم. در قرآن وصف فرشتگان کریم است، وصف خود قرآن هم کریم است. اولین سوره‌ای هم که خداوند نازل کرده است از کرامت سخن گفته است و گفته بروید در کلاس اکرم و وقتی گفته است اکرم دارد تدریس می‌کند یعنی دارد درس کرامت می‌دهد. بنابراین خدای اکرم در همان اولین سوره قرآن درس کرامت می‌دهد.

منشأ کرامت در انسان / کرامت انسان به استناد خلافت اوست

ایشان در مورد نسبت انسان با کرامت، در حالی که ذاتاً کریم نیست، بیان کرد: در پاسخ به این سؤال که منشأ کرامت انسان چیست باید گفت که انسان کریم است چون جانشین کریم و خلیفه کریم است. در واقع کرامت انسان به استناد خلافت اوست. ایشان با اشاره به معنای خلافت و این که جانشین یک صاحب مقام در صورتی که حرف خود را بزند، دیگر خلیفه نیست، بیان کرد: انسان خلیفه خداست اما اگر به میل خود عمل کند و حرف خود را بزند و کار خود را بکند، همچون حیوانات و بدتر از آن‌ها خواهد بود. در اینجا همان خدایی که فرمود «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم» (اسراء/70) می‌فرماید «أَوَلَيْكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند» (اعراف/179). بنابراین کرامت انسان به استناد خلافت اوست.

سخن انبیاء در مورد مرگ بی‌سابقه است

آیت‌الله جوادى آملى در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به یکی از مواردی که به تعبیر خود ایشان سخن تازه انبیاء در زمینه شناخت انسان است، گفت: انبیاء(ع) و مخصوصاً وجود مبارک رسول گرامی اسلام(ص) گفته‌اند که انسان مرگ را می‌میراند و نه این که بمیرد. این حرف به واقع حرف تازه است و هیچ کس نیامده است بگوید که انسان مرگ را می‌میراند. ایشان ادامه داد: خیلی‌ها خیال می‌کنند که مرگ آخر خط است یا بر این پندار باطل‌اند که مرگ پوسیدن است یا برای‌شان

روشن نیست که انسان در مصاف مرگ پیروز می‌شود یا نه. آن‌ها می‌گویند فلانی مُرد، اما دین حرف تازه دارد و می‌گوید مرگ حق است، مصاف است، درگیری است اما ما پیروزیم، ما مرگ را می‌میرانیم، نه این که ما بمیریم. قرآن هم نمی‌گوید که «کل نفس یذوق الموت» بلکه می‌گوید که «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ؛ هر نفسی چشنده مرگ است» (انبیاء/35). خب هر ذائقی مذوق را حذف می‌کند؛ ذائق مذوق را حذف می‌کند و مائیم که مرگ را می‌چشیم و حذف می‌کنیم و زیر پا له می‌کنیم و آن طرف می‌رویم. آن طرف ما هستیم و مرگی نیست. مرگ را ما اماته کردیم و موجود ابدی می‌شویم.

تلاش دنیا برای کشتن و تلاش انبیاء برای ابدیت

آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به صرف بودجه‌های کلان در صنایع نظامی گفت: الان اکثر بودجه‌های دنیا صرف آدمکشی می‌شود، الان بودجه‌های نظامی کشورها مشخص است و کارخانه‌های اسلحه‌سازی که دارند سه شیفته کار می‌کنند مشخص است که چه آمار و ارقامی دارند. تقریباً 70 درصد پول دنیا دارد صرف آدمکشی می‌شود و 30 درصد صرف نان و آب و لباس و زندگی است. در این شرایط تنها یک راه است که بشر را نجات می‌دهد و آن حرف انبیاء است. این‌ها خیال می‌کنند که با مرگ می‌پوسند و می‌گویند که حالا که این جور است پس ما هم این گونه زندگی کنیم، اما حرف انبیاء چیز دیگری است و تازه است و تنها راه نجات‌بخش است؛ این که ما یک موجود ابدی هستیم.

چرا حافظ و مولوی در قبل از اسلام نبودند؟

آیت‌الله جوادی آملی آن چه را در فرهنگ ایرانی از همین سنخ سخنان وجود دارد، برآمده از دین اسلام دانست و بیان کرد: اگر جناب حافظ می‌گوید «نور به آفاق دهیم از دل خویش چون به خورشید رسیدیم» این حرف‌ها از همین جا بیرون می‌آید. ما ایرانی هستیم اما چرا این حرف‌ها قبل از اسلام نبود. مولوی می‌گوید «مرگ اگر مرگ است گو نزد من آی/ تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ/ من از او عمری ستانم جاودان/ او ز من دلقی بگیرد رنگ رنگ» این حرف را هیچ کس قبل از اسلام نگفته بود. این‌ها قرآن به سرشان در طول 60 سال بوده است و نه در سال یک شب و دوشب. این‌ها شیفته قرآن بودند.

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به شعری دیگر از مولوی که می‌گوید «ازین زندگی ترس که اکنون در آنی»، گفت: انسان باید از زندگی حیوانی و نباتی که در آن معرفت نباشد و نداند از کجا آمده و به کجا می‌رود و به ابدیت فکر نمی‌کند بترسد. در این زندگی انسان یک مرده متحرک است و انبیاء آمده‌اند و حرف‌های تازه‌ای درباره ابعاد وجودی انسان و پایان‌ناپذیری انسان دارند و می‌گویند که تنها انسان است که راهی را از این عالم خاک آغاز می‌کند و به بالاترین نقطه می‌رسد و از صفر به صد می‌رسد.

وی افزود: همه موجودات در راهی هستند. تنها موجودی که از اول شروع می‌کند و به مقصد می‌رسد انسان است. غیر از انسان حیوانات و جمادات در راهی هستند و از خاک برمی‌خیزند و تا یک جایی هستند. بخشی دیگر از موجودات هم فرشتگان هستند که از صفر شروع نکرده‌اند؛ آن‌ها موجودات برترند و همیشه آن طرفی هستند. اما یک موجودی که از صفر شروع کند و این راه طولانی را طی کند، فقط انسان است. انسان کادح به سوی خدای خود است و از صفر شروع می‌کند تا به صد برسد و ابدی شود.

آیت‌الله جوادی آملی در پایان سخنان خود را با آرزوی به ثمر رسیدن تلاش‌های برگزارکنندگان همایش «ابعاد وجودی انسان» و رشد انسانیت و عقلانیت در جامعه و ترقی دانشگاه‌ها و تربیت دانشجویان متفکر و عاقل و دعا برای مسئولان کشور به اتمام رساند.